



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: نقاشی ترم: چهارم سال تحصیلی: 1398-1399
نام درس: طراحی موضوعی نام و نام خانوادگی مدرس: ماندانا سپاسی
آدرس email مدرس: sepasi.mandana@gmail.com تلفن همراه مدرس: 09122145708

جزوه درس: طراحی موضوعی مربوط به هفته: اول □ دوم □ سوم □ چهارم □ پنجم □
text: دارد □ ندارد □ voice: دارد □ ندارد □ power point: دارد □ ندارد □
تلفن همراه مدیر گروه: 09382780052

دانشجویان محترم کلاس طراحی موضوعی؛ کارهای شما در این ترم شامل 20 عدد کار طراحی در همان زمینه سبک هایی است که در کلاس نقاشی موضوعی شما مطرح شده است. تنها تفاوت کار با کلاس نقاشی موضوعی در انتخاب آزاد شما در نوع سبک ها و اجرای آزاد شما در بهره مندی از تکنیک، رنگ و ماتریال است.
20 تا کار طراحی در اندازه های: 30 × 40 یا کمتر که در باره پروژه کلاس نقاشی موضوعی تون می کشید: شما می توانید از همان اطلاعاتی که در باره سبک ها در جلسات فرستاده شده استفاده کنید.

در ضمن یک سری اطلاعات کلی در باره طراحی و نحوه کارکرد و اجرای درست همزمان بای شما ارسال می گردد. لطفا در صورت داشتن سؤال و ابهام در گروه ایجاد شده مطرح کنید!
هنر به عنوان بخش جدایی ناپذیر از زندگی انسان، از دیرباز تا کنون نقش مؤثر و حیاتی خود را در جامعه بشریت ایفا نموده است. طراحی به عنوان مهارتی که در بسیاری از رشته های هنرهای تجسمی کاربرد وسیع دارد. در واقع آغاز هنر را می توان با شروع طراحی های انسان های بدوی بر بدنه غار همزمان دانست، آموزش نقاشی نیز به عنوان وسیله ای برای بیدار نمودن و ایجاد نیروی آفرینندگی و ابداع در هنر محسوب می گردد.

در این ترم درس طراحی موضوعی شما عزیزان مروری بر موارد زیر و در نهایت اجرای طرح های موضوعی شما به شرح زیر می باشد:

در ابتدا مروری داریم بر اصول اساسی طراحی که اگر در طی این سال ها دقت خاصی به برخی از مراحل آن نداشته اید امروز فرصت بررسی مجدد و دریافت نقاط ضعف خود در طی طراحی باشید. آشنایی با روش هایی از طراحی و نقاشی و توانایی انجام آن ها به صورت موضوعی هدف کلی این درس را تشکیل می دهد. شما دانشجویان پس از طی ساعات تعیین شده معلومات و مهارت هایی به شرح زیر خواهید داشت:

- هدف از طراحی کردن
- دید بصری، حساسیت و دقت در محیط اطراف در شما ایجاد می شود و آن را در طراحی به کار می برید.
- شناسایی انواع خطوط
- طرح متعادل و متوازن با ایجاد خط
- مفهوم ترکیب بندی و انواع آن
- ایجاد ترکیب متعادل در طرح های شما
- تناسب، فضاها پر و خالی
- تعاریف عناصر هنرهای بصری: خط، نقطه، سطح، حجم، بافت، نور و سایه، کادر



- معرفی ابزار و وسائل طراحی
- مفهوم رنگ و خواص آن
- طراحی با کلاژ
- طراحی با کلیشه های چاپی
- استفاده از تکنیک های مواد
- استفاده از تمام موارد ذکر شده در طراحی های موضوعی این ترم شما

هم چنین توضیحات لازم در باره دانستنی هایی که از ملزومات جلسات طراحی و نقاشی موضوعی این ترم شما می باشد نیز داده شده است:

آشنایی ابتدایی با حرکت و خطای دید، در طراحی و هنرهای تجسمی

- مفهوم حرکت
- (Persistence of vision) یا خطای رویت

نکات مهمی که می توان آن ها را نکات برجسته ی دستور زبان بصری نامید عبارتند از:

- 1- عناصر اولیه بصری (نقطه، خط، سطح- شکل، کادر، رنگ، تعاد، تناسب، بافت، فضا، جهت و..)
- 2- ترکیب بندی یا کمپوزیسیون
- 3- شیوه های ایجاد پیام بصری (شبیه سازی، رمز، انتزاع و...)
- 4- در آخر، فنون یا تکنیک های بصری

عناصر و نیروهای بصری در هنرهای تجسمی به شرح زیر می باشند:

بخشی که با آنها به طور فیزیکی و ملموس سر و کار داریم و همان عناصر بصری محسوب می شوند مانند:

نقطه: ساده ترین و تجزیه ناپذیر ترین عنصر در ارتباط بصری است. نقطه مبدا پیدایش فرم می باشد. وجود یک نقطه، مبین مکانی در فضا است. معمول ترین شکلی که می توان برای نقطه قائل شد گرد بودن است. نقطه ی چهارگوش یا مثلثی شکل به ندرت در طبیعت پیدا می شود (نقطه در معنای عام).

نقطه ممکن است در سطح مطرح شود یا بصورت حجم و سه بعدی در فضا وجود داشته باشد. از نظر ریاضی، نقطه عنصری است که هیچ گونه بعدی ندارد و فضایی را اشغال نمی کند و از محل تلاقی دو خط، نقطه تشکیل می شود. در نتیجه، نقطه به منزله ی یک عنصر تصویری قوی می تواند برای نشان دادن مفهوم "تأکید" مورد استفاده قرار گیرد.

خط: دومین عنصر بصری است که از نزدیک شدن تعداد نقاط پدید می آید به طوری که دیگر نقطه ها قابل تشخیص نباشند. بر خلاف نقطه که عنصری متمرکز و ثابت است، خط دارای انرژی فعال و متحرک است. خطوط در یک تصویر ممکن است به صورت شکسته، منحنی، صاف، دندانه دار، موج، پهن و ضخیم و... باشند که هر کدام القاء تصویری خاص و معنا و مفهوم خود را دارند (که اشاره خواهد شد) قوه ی بینایی انسان نسبت به تاثیر روانی خط و ارزش های هنری آن در یک قاب، حساسیت به خرج می دهد.

خطوط افقی: معرف تعادل، آرامش و سکون است، بیشتر القای حالت غیر فعال، بی حرکت و خوابیده را دارند.



خطوط عمودی: نشانگر ایستایی، نیرومندی و استحکام دارای تعادل و توازن هستند.

خطوط مورب: بیشتر در یک قاب، القا ناپایداری را دارند، نامتعادل و متحرک هستند.

خطوط منحنی: این خطوط بیشتر نرمش و ملایمت را در یک کادر القا می کنند. و دارای حرکتی روان و لغزنده هستند.

خطوط شکسته و زاویه دار: این نوع خطوط در یک کادر معرف حالتی خشن، برنده و سخت هستند، عموماً چشم را آزار می دهد و اعصاب را متشنج می کند.

سطح (شکل): سومین عنصر بصری است که دارای طول و عرض است. اشکال مختلف هندسی سطح هستند. فضایی دو بعدی که از حرکت خط بر صفحه پدید می آید. در میان شکل های هندسی (مسطح) سه شکل مثلث، مربع و دایره شکل های هندسی اصلی هستند. سایر شکل های هندسی به نحوی مشتق از همان سه شکل یا ترکیبی از آن ها می باشند. هر کدام از این سطوح که در وضعیت و شرایط مختلفی قرار می گیرند، بیان تصویری تازه ای را به خود می گیرند.

مثلث: مثلثی که قاعده اش پایین باشد، دارای استحکام و شکلی پایدار است و برعکس، هرگاه بر یکی از رؤس خود بایستد، حالت ناپایدار و تزلزل به خود می گیرد. مثلث، فعالیت، جدال و انقباض را تداعی می کند.

مربع: به این دلیل که از جهت یک ضلع روی زمین قرار می گیرد مستحکم و ایستاست، به مربع حالت بی حرکتی، صداقت و صراحت نسبت داده شده است.

دایره: القای بی انتهایی، گرما و محفوظ بودن را دارد. و در کل به خاطر شکل دورانی اش، نوعی تحرک را القا می کند.

حجم: یک عنصر تصویری است که دارای سه بعد طول، عرض و عمق می باشد. حجم، سطحی است که در فضا حرکت نموده و از جهت سطح خود در عمق گسترش یافته است. یک حجم ممکن است دارای نظم هندسی باشد یا از فرم نامنظم تشکیل شده باشد. حجم ها از توسعه و بسط سطوح اصلی مثلث، مربع و دایره تشکیل شده اند مانند مکعب، مخروط و کره. و حجم های نامنظم که از سطوح نامشخص بوجود آمده اند مثل صخره و قطعه سنگ و... شکل وابسته به سطح است و فرم وابسته به حجم است. حجم تو پُر دارای واقعیت بیرونی است و حجم تو خالی دارای واقعیت درونی و بیرونی است.

توازن: ایجاد هم ترازوی بصری با اسفاده از تعدیل وزنی، توازن نامیده می شود.

تناسب: عناصر بصری ظرفیت آن را دارند که یکدیگر را کامل تعریف نمایند مگر این که شکل کوچک تری در کنارش قرار گرفته باشد ولی به محض اینکه همین تعریف مشخص شد، تمام نسبت با افزودن یک شکل دیگر تغییر می یابد، مقیاس را نه فقط از طریق اندازه نسبی، بلکه از طریق ارتباط با زمینه یا محیط نیز می توان شناخت. موضوع تناسب در هنرهای تجسمی نسبی است و هرگز نمی توان ادعای مطلق بودن را نمود.

تعادل: مهم ترین عامل فیزیکی و فیزیولوژی موثر بر حواس بشر، نیاز او به حفظ تعادل است. به دلیل اینکه انسان می خواهد همیشه پاهایش بر روی زمین استوار باشد و در هر شرایطی وضعیت قائم بدن خود را حفظ کند و در ناخود آگاه بصری خود بیش از هر چیز به وجود تعادل و توازن توجه می کند. تعادل، نقطه ی مقابل عدم تعادل یا سقوط است.

کادر: خطی است که فضای داخلی را از فضای خارجی جدا می سازد. تمامی عناصر ذکر شده اجزای ساده و تجزیه نشدنی رسانه های بصری هستند. این ها مواد خامی هستند که ارتباط بصری با استفاده از آن ها شکل می گیرد. تک تک این عناصر در حین سادگی و صراحت، قابلیت فوق العاده ای در انتقال اخبار به صورت بصری دارند.



نحوه ی قرار گرفتن هر کدام از این عناصر در کادر است که توانایی هنرمند را بیان می کند.

آشنایی ابتدایی با بافت و فضا، در هنر های تجسمی

بافت: بافت یکی دیگر از عناصر هنرهای تجسمی است که معمولاً آن را تنها با حس لامسه در ارتباط می دانند، در حالی که اهمیت آن، بیشتر در ارتباط با نیروی خاص و استعداد اکتسابی قوه ی بینایی است که در اثر تجربه به دست می آید. اگر این عنصر از طریق هر دو حس یعنی لامسه و بینایی توأم تجربه و شناخته شود، ابعاد وسیع تری از مفاهیم را قاب درک میکند. مواد صاف و نرم، زبر و خشن، براق و کدر، مانند چوب، شیشه، پنبه، سنگ، کاغذ و ...

چیزی که ما از دوران کودکی بوسیله ی حس لامسه درک می کنیم برای ما ایجاد سابقه ی ذهنی در مورد بافت های گوناگون می کند، به طوری که با نگاه به بافت فوراً زبری و نرمی آن را حس می کنیم! **فضا:** فضا مشخص کننده ی موقعیت و وضعیت هر پدیده عینی با سایر پدیده هاست، فضا، وجود هر موجود عینی را در ارتباط با سایر موجودات معین می کند و فضای داخلی، خارجی و میانی را قابل درک می سازد. **فضا مفاهیم متعدد دارد:** فضای توخالی، فضای آزاد، فضای سبز، فضای زنده یا مرده، و... فضا به خودی خود قابل درک نیست، با قرار گرفتن حجم سه بعدی در فضا، موقعیت آن حجم در فضا معلوم می شود و "فضا" موجودیت خود را اعلام می کند .

رنگ: شاید تا به حال حس کرده باشید که رنگها چگونه می توانند شما را آرام کنند. به طور حتم، بارها برای شما پیش آمده است که از دیدن رنگ طلوع آفتاب یا آبی بیکران دریا، تمام خستگی های خود را فراموش کرده و احساس شادمانی و خوشبختی کرده باشید. برای نمونه، دکترها در اتاق عمل از لباس سبز استفاده می کنند که بیمار با دیدن آنها قبل از بیهوشی دچار استرس و وحشت نشود و احساس آرامش را به او منتقل کنند. در هنر نقاشی، رنگها به دو دسته گرم و سرد تقسیم می شوند. رنگهای گرم ایجاد شادمانی، نشاط، حرکت و هیجان می کنند. در حالی که رنگهای سرد، منجر به سکوت و آرامش می شوند.

تفاوت دیدن و نگاه کردن در طراحی: در یک معنای کلی عمل دیدن واکنشی طبیعی و خود به خود است که عضو بینایی در مقابل انعکاس نور از خود نشان میدهد در حالی که انسان عمل نگاه کردن را به طور ارادی و برای مقصودی خاص انجام می دهد. در عمل دیدن انسان به طور طبیعی رنگ - شکل - جهت - بافت - بعد و حرکت اشیاء را به وسیله پیام های بصری دریافت می کند. در حالی که در نگاه کردن علاوه بر دیدن اشیاء به روابط و تناسبات میان آن ها دقت می کند. بنابراین می توان گفت نگاه کردن یک روادید ارادی است و نوعی جست و جوی بصری محسوب می شود. در حالی که دیدن واکنش طبیعی عضو بینایی به نور است که در شرایط مساعد به طور خود به خود انجام می گیرد.



سئوالات:

- 1- تاثیر عناصر و نیروهای بصری بر طراحی را مختصر شرح دهید؟
- 2- تفاوت دیدن و نگاه کردن در طراحی را بنویسید؟
- 3- نکات مهمی که می توان آن ها را نکات برجسته ی دستور زبان بصری نامید را بنویسید؟
- 4- عناصر و نیروهای بصری در هنرهای تجسمی را نام برده و دو مورد را شرح دهید؟